



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغانی د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغانی : آزاده ، ټولنيزه، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست !

نوښته : مولانا داکتر محمد سعيد « سعيد افغانی »

تاریخ نشر مجدد : 21 اگست 2018 م

طیب پگو مرض من چه و چاره ام چیست ؟ « قسمت سوم »

مريض : محترما ؛ صحبت با شما دقت و کنجکاوی من را اضافه کرد ، از آن وقتیکه تحت تاثیر تحلیلات شما واقع گردیده ام ؛ همیشه به اسباب و علل حوادث و موضوعات متوجه میگردم . حتی فعلاً عفوه و اجازه میخوام که نکات ضعیف و محل اعتراض صحبت قبلی شما را به عرض رسانم ! البته اگر اشتباهی کردم ، امید است به اشتباهم متوجه گردانید .
- شما فرمودید: « این نوع هیجانات شما خطر دارد، میترسم این هیجانات شما افراطی نگردد »!

سوال : معلوم کرده نتوانستم که کدام نکته از اظهارات من هیجانی بوده و خطری آن چه خواهد بود ؟

طوریکه شما گفتید میترسم این هیجانات شما افراطی نگردد ، دلیل بر آن است که هنوز از جاده اعتدال خارج نشده ام ، بهر صورت اظهارات شما مغشوش و قابل استیضاح میباشد .
- شما فرمودید : « باید مایوس نباشید و حساب معالجه امراض خود را چنان در نظر بگیرید که به حساب معالجوی شما ، مکروب های ضد صحت شما هم واقعیت پیدا کند و حتی اگر مکروب را هم به نام مکروب یاد نکنید »

سوال : اگر چه توصیه شما راجع به عدم مایوسی ام قابل ستایش است و باید من و معلولین دیگر امراض اجتماعی از مقابله و مجادله در مقابل حوادث روزگار شکست نه نمایم . ولی ! اگر حساب مقابله و مجادله درست نباشد ، باور کنید که حتماً به شکست اجتماعی مواجه خواهیم گردید .

نکته حساس نزد من همین است که من در حساب مقابله و مجادله خود و رفقایم اعتراضات دارم ، چنان اعتراضات که حتی حیرانم چطور به سمع و قناعت آنها رسانده بتوانیم ؟

اینکه فرمودید حساب معالجوی خود را چنان مخفی نماید که بحساب معالجوی شما مکروب های ضد صحت شما هم واقعیت پیدا نکند ؛ بخیال من این فرمایش شما خیال و محال است ! مخصوصاً در این عصریکه هیچ چیزی پوشیده نه میماند و نیز این نوع احتیاط ها از قبیل احتیاط های محض تلقی میشوند و شاید به انتظار این نوع فرصت سالها موفق بخدمت واقع نگردیم .

البته تکتیک های باید عاملانه باشند و اگر فرضاً عاملیت موفق به مستور ساختن پلانه ها نه گردد باید این نوع محاسبه را بیشتر در حساب خود داشته ، کوشش نمایم که حرکات پلانهای تطبیقی مایان راز منفعت عامه را بخود داشته باشند .
و اینکه نمیخواهند مکروب ها را بنام مکروب یاد کنید ؛ میترسم چانسی طرفداری ذهنیت عامه را از دست خواهید داد و اگر بد را از ترس بد نگوید ؛ شاید خوب را هم از ترس خوب نگوید ! که در این صورت هیچ حرکت اصلاحی از شما متصور نخواهد بود و از احتیاط های شما استفاده های سو بعمل خواهد آمد .

- شما بصراحت گفتید که باید ساده و خوش باور نه باشم ؛ مگر من بصراحت لازم میدانم که بگویم : محتاط زیاد هم باید نباشم و از سایه خویش نه ترسم !
در صورتیکه خاین ملی و خاین اخلاقی نباشم و عزم من برای خیر و منفعت عامه باشد ، چرا بترسم و برای چه به این نوع زندگی مفلوک دوام دهم . باور داشته باشید که من از این زندگی مفلوک مرگ را به صد مرتبه ترجیح میدهم ، ما چه داریم که در هراس باشیم .

افسوس : زندگی تباه ، تاریخ تباه و موجودیت ملی و اخلاقی در خطر مدهش دیده میشود و اگر در چنین مراحل از احتیاط کار میگیریم ، باید قبول کنیم که مسوولیت آینده بدوش همه ما خواهد بود .

شما میترسید که کار را نا کرده مورد حمله اغیار قرار نگیریم ! من میگویم : حمله اغیار در هر حالت محسوس و ممکن است . ولی : باید گفت که تعقل سالم و تدبیر منطقی ، معالجه آن است ! البته با تفاهم ، اتفاق ، صداقت و اعتماد جانیین میتوان از حمله اغیار جلوگیری کرد و ذهنیت عامه را مقابل اوضاع نامعقول بشور آورد .
شما به فکر امتیاز اشخاص صالح و خبیر میباشید که باید من تنها با اشخاص صالح و خبیر مفاهمه داشته باشم ، ولی ؛ من صالح و ناصالح را همه اولاد خاک عزیز دانسته ، کوشش میکنم .

طیب : مریض قابل عاطفه را باید عاطفه نمود ! اگر چه همه مریضان اجتماعی ولو به هر نامیکه یاد میشوند ، به نزد من قابل عاطفه اند .
مگر ؛ در جمع مریضان ، مریضانی دیده میشوند که مرض آنها از مرض دیگران نشات کرده و این نوع مریضان بیچاره ، چاره یی ندارند که یک قدم از مریضان اجتماعی خویش گوشه گیری نمایند و اگر گوشه گیری نمایند حتماً مواجه به مسوولیت تاریخی میگردند ، شما بگوید چاره چیست ؟

شما ؛ بلی ! از دردها شکایت دارند قبیل پدر مریض ، پسر مریض ، برادر مریض و قوم و کرد ؟ چه باید نامساعد فضا ی که در این انصافاً دقت فرماید ،

لفاظی با اندازه آخر حقایق را سر چه ساخته ، تحلیل و تشخیص درست و تداوی صحیح و ضروری وجود ندارد و انصافاً غور نماید که اشتباهات تا به کدام سرحد صعود کرده و اظهارات تا به کدام درجه منحرف دیده میشوند ؟ بلی ؛ بگوید که رقاصان اجتماعی به چه نوع رقاصی ناموزون اقدام نموده و صدا های مخلصانه تا به کدام حد بی تاثیر میماند ؟

آیا ؛ واقعاً قدرت کار بدست اشخاص مخلص و معقول است و یا این نوع بیچاره گان شب و روز به مشکلات مواجه نیستند ، معنویات و موجودیت خود را از دست نمیدهند ؟ پس بنابر اشارات فوق الذکر از کنجکاوی شما تشکر مینمایم و به تنقیدات شما حاضرم که تبادل افکار را بمیان آرم .

- بلی ، من گفتم : میترسم هیجانان شما افراطی نگردد و از این ناحیه خطری بشما مواجه نگردد و اگر به یاد داشته باشید ، گفته بودم : « تشکر از احساس پرشعور شما ؛ تحلیل شما درست و شعور شما از احساس ملی نشأت کرده » !!! پس بدین اساس بشما اعتراض واقعی ندارم ، تنها اینکه آرزو دارم بهتر خواهد بود که برای تداوی مریضان اجتماع با ما از راه غیر احساساتی همکاری نماید نه اینکه کلمات افسوس ، صد افسوس و امثال آن را بمیان آرید . وعده نا عاقبت اندیش را به مخاصمه و مجادله بر علیه خویش حاضر گردانید زیرا این وعده را همزمان همیشه برای جلوگیری از زحمت های اجتماعی از بهانه جوی کار میگیرند و صلحاً و عناصر صالح ملی را به تهمت ها مواجه میگردانند . بناً مصلحت دانستم که بشما توصیه نمودم و خواستم از شر آنها نجات داشته باشید و موفقانه به اهداف اصلاحی خویش خوبتر رسیده بتوانند .

- تحلیل شما راجع باینکه مکروب را بنام مکروب یاد میکنید و ذهنیت عامه را اصلاح مینماید درست و بجاست و آرزوی من هم همین است که باید در اجتماع حس تمیز ، خوب و بد تقویه گردد .

مگر ؛ باید که این نوع حرکت را عاملان پیشرفت دهید تا نشود کار را ناکرده به ناکامی مواجه گردید . درست است که ناکامی هم تأثیری دارد ، ولی ؛ تأثیر آن به نگاه من به اندازه تأثیر کامیابی دیده نمیشود . زیرا ؛ اگر ناکامی عبرت را بمیان میآورد ، خسته کننده هم است ! و کامیابی اگر اغفال را گاهی بمیان میآورد ، تشویق کننده بوده و معنویات را تقویه میدهد .

خصوصاً در جوامعیکه یأس و ناامیدی قوس ارتقای خود را می پیماید ، در چنین جوامع اگر در راه خدمات اجتماعی چند تنی از عناصر صالح ملی به ناکامی مواجه گردند ، امید بهبودی کاسته خواهد گردید .

من نمیگویم شما از ناکامی با اندازه ی در هراس باشید که از افراط هراس ، اقدام به کاری نه کنید ، بلکه ؛ مقصد من واضح است که شما باید جوانب موضوعات را با دقت نگرانی داشته باشید .

و اگر شما از ناکامی نمیترسید و فرضاً تمام جوانب را هم در نظر داشته باشید باز هم به مخلصان خویش اجازه دهید ، تا شما را به عواقب متوجه گردانند .

پایان قسمت سوم

دکتور محمد سعید « سعید افغانی »

مورخ ۲۲ قوس ۱۳۵۰ هجری شمسی - کابل

تهیه و ترتیب کننده : برهان الدین « سعیدی »

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی